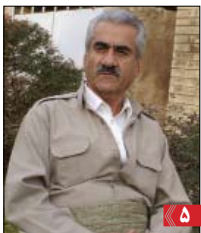




پیام دفتر
سیاسی حزب
شیوعی ...



پیام
کمیسیون
امور ...



به این رژیم
تهمت
نزدید!



اسلامگرایان
بعد از
مشروطه ...



فرمان جهاد
اقتصادی و
مدیریت ...

تأمین حقوق ملی خلق کرد در چهارچوب ایرانی دمکراتیک و فدرال

کردستان

ارگان کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران

www.kurdistanmedia.com

شماره ۶۲۶، شنبه، ۱۶ فروردین ماه ۱۳۹۳، ۵ آوریل ۲۰۱۴، ۵۰۰ تومان

کردستان بر مزار شهیدان دسته گل وفاداری نهاد

کرد هستند".

در بخش دیگری از مراسم، پیام مشترک اتحادیه‌های زنان، جوانان و دانشجویان دمکرات کردستان ایران توسط "شمال ترغیبی" عضو هیأت اجرایی اتحادیه دانشجویان قرائت شد.

در ادامه، پیام حزب شیوعی کردستان بدین مناسبت توسط "ابو تارا" عضو دفتر سیاسی این

بیاموزیم و به آن افتخار کنیم، مقاومت و ایستادگی پیشوا و دفاع از حقوق مشروع ملت کرد است".

ایشان همچنین ضمن تجلیل از جانفشانی‌های شهیدان والامقام کردستان، نقش ارزنده‌ی فرزندان سایر ملیت‌های ایران و همچنین احزاب و سازمان‌های سایر بخش‌های کردستان را

"عزت پیروان" آغاز شد.

سپس در سالن همایش‌های آموزشکده‌ی سیاسی نظامی حزب، نمایشگاهی از تصاویر شهیدان توسط آقای مصطفی هجری و خانم "ولیه جلالی" خواهر شهید "ستار جلالی" افتتاح گردید.

در بخش دیگری از این مراسم که در سالن اجتماعات دفتر

مردم کردستان در شصت و هفتمین سالگرد شهادت پیشوا قاضی محمد و یارانش، روز شهیدان کردستان، یاد آنان و تمامی شهدای راه آزادی و رهایی را گرامی داشته و با آرمان‌های والایشان تجدید پیمان نمودند.

به همین مناسبت، پیش از ظهر روز یکشنبه ۱۰ فروردین ۱۳۹۳ در مقر دفتر سیاسی

سفن

کیهان یوسفی

شهید

فراز قله‌های قلب تاریخ جایگاه ابرنسان‌هایی است که بر جبر سرنوشت خویش تاخته و خود ترانه‌ی سرنوشت را به گونه‌ای دیگر سروده‌اند.

ابرانسان‌هایی که بر گردباد مرگ تاخته، به کمال رسیده و به تاریخ، شکوفه‌های انسانیت هدیه داده‌اند. جاودانگانی که نه غبار زمان و نه مرگ، قادر به پایان بخشیدن به هستی و وجود آنها بوده است. آنها زنده‌ترین زندگاند و بر بلندای تاریخ برای همیشه جاودان.

شهید، مقدس‌ترین واژه برای ملت‌ها و علی‌الخصوص ملت کرد می‌باشد. شهید، وارسته انسانی است که در یافته زندگی چگونه زیستن است، نه چه اندازه زیستن و زندگی برای او در معنابخشی‌اش قابل تعریف است. چرا و برای چه زنده ماندن؟

او جوینده‌ی حقیقت است. حقیقت در منظر او عدالت و برخاستن در برابر بیدادگری است.

شهید به پا خاسته و قیام‌کننده علیه استبداد و ظلم است. شهید از جنس مردم، برای مردم و جانفدای مردم بوده است. او ماندگار است و محبوب نسل‌های پی در پی یک ملت. شهید سراینده‌ی تاریخ ملت‌های در بند و نماد زنده بودن یک ملت است.

دهم فروردین روز شهیدان کردستان است. سالروز به دار آویختن سراینندگان روشنائی، قاضی محمد، ابرمرد تاریخ کردها و یارانش. روزی که برخلاف هر آنچه گسیل‌شدگان تاریکی می‌پنداشتند، طناب و دار نه تنها قاضی را محو و از یادها برد، بلکه او را برای همیشه در یادها ماندگار کرد. قاضی سمبل شهیدان ملت کرد گشت و نماد برخاستن و مقاومت و تسلیم ناپذیری این ملت.

قاضی، نماد آزادیخواهی و همیشه آزادخواه بودن گشته است. او شهید ملت و شهید معنابخش واژه‌های فراموش شده است. او به پا می‌خیزد، به استقبال مرگ می‌رود و آن را در آغوش می‌کشد تا دیگر بار انسانیت را معنایی تازه بخشد. شهید، افسانه‌ی مرگ را به چالش کشیده و مرگ در برابر اراده‌ی پولادین او به زانو می‌افتد. این ابرنسان صداقت‌پیشه، در راه آرمانش از خودگذشتگی و وفاداری را به اوج کمال می‌رساند. شهید حقیقت و حقیقت خودشهید است و بهترین پاداش برای شهیدان تداوم راه آنان است.



حزب قرائت گردید.

همچنین پیام‌هایی نیز از طرف احزاب و جریانات سیاسی بدین مناسبت برای برگزارکنندگان و مجریان مراسم فرستاده شده بود. متن کامل پیام کمیسیون امور اجتماعی حزب به مناسبت روز شهیدان کردستان در صفحه‌ی ۴ این شماره آمده است.

که در جریان مبارزات حزب دمکرات و مردم کردستان ایران علیه رژیم‌های شاهنشاهی و جمهوری اسلامی، با نثار جان جمعی از کادرهای مبارز خود به حمایت از جنبش برحق ملت کرد برخاستند، ستودنی خواند و افزود: "مردم کردستان و مبارزان حزب، فرد فرد شهیدان را جزئی از خانواده‌ی خویش می‌دانند و شهیدان تنها به خانواده‌هایشان تعلق ندارند، بلکه متعلق به ملت

سیاسی حزب برگزار گردید، پس از اجرای تشریفات اولیه، "طاهر محمودی" عضو کمیته‌ی مرکزی و مسئول کمیسیون امور اجتماعی حزب، پیامی بدین مناسبت قرائت نمود.

آقای محمودی در پیام خود اظهار داشت: "یکی از آموزه‌های ارزشمند و والایی که پیشوای بزرگوار برایمان به یادگار گذاشته و می‌بایستی مدام از آن درس

حزب دمکرات کردستان ایران نیز مراسمی با حضور "مصطفی هجری" دبیرکل و اعضای رهبری، کادرها و پیشمرگان، مهمانان و خانواده‌های شهیدان برگزار شد.

این مراسم با رژه‌ی نظامی به سوی آرامگاه شهیدان و اجرای سرود توسط پیشمرگان و سپس نثار نای گل بر مزار شهیدان توسط دبیرکل حزب و با همراهی "زینب پیروان" خواهر شهید

دیدار دبیر کل حزب دمکرات با خانواده‌های شهیدان

مصطفی هجری، دبیر کل حزب دمکرات کردستان ایران به مناسبت دهم فروردین‌ماه، روز شهیدان کردستان در مقر دفتر سیاسی حزب با خانواده‌ی تعدادی از شهیدان راه آزادی کردستان دیدار کرد.

به گزارش وبسایت کوردستان میدیا، بعدازظهر روز یکشنبه، دهم فروردین‌ماه سال ۱۳۹۳، مصطفی هجری، دبیر کل حزب دمکرات کردستان ایران به مناسبت دهم فروردین‌ماه، روز شهیدان کردستان در مقر دفتر سیاسی حزب با خانواده‌ی

تعدادی از شهیدان راه آزادی کردستان دیدار کرد. دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران، خوشحالی خود را از دیدار با جمعی از خانواده‌های شهیدان راه آزادی کردستان ابراز نمود و در ادامه، در رابطه با وضعیت کنونی کردستان ایران و قریبالوقوع بودن رهایی و آزادی در این بخش از کردستان سخنانی ایراد نمود. مصطفی هجری در سخنان خود گفت: "ما باید تمامی ایام را روز شهیدان بدانیم، چون حتی یک روز از سال هم نبوده است

که خون فرزندان مبارز ملت کرد روی خاک کردستان ریخته نشود، این نیز باعث افزایش ایمان و باور ما می‌شود که تا دستیابی به اهداف شهیدانمان به راه آنان ادامه دهیم." هجری در ادامه خاطرنشان نمود: "آزادی یک بخش از کردستان و تأمین بخشی از حقوق کردها در بخش‌هایی از کردستان و خوشحالی کردهای این بخش‌ها باعث دلخوشی ملت کرد و به‌ویژه ما کردهای ایران می‌باشد." دبیرکل حزب دمکرات در بخشی



از سخنان خود در دیدار با جمعی از خانواده‌های شهیدان راه آزادی کردستان گفت: "در بخش دیگری از کردستان که هم‌اکنون تحت حاکمیت جمهوری اسلامی ایران می‌باشد، ملت کرد مورد

ظلم و سرکوب قرار می‌گیرد و رژیم نیز با افزایش فشارها بر ملت کرد و فعالین زمینه‌های مختلف، ترس خود از سرنگونی کامل را نشان می‌دهد."

پیام دفتر سیاسی حزب شیوعی کردستان به مناسبت روز شهیدان کردستان

و حمله به هویت کردی و آزادیخواهی و دموکراسی‌خواهی هستیم. در شصت و هفتمین سالگرد اعدام قاضی محمد و یارانش، یاد آنان را گرامی می‌داریم. به امید دستیابی به حقوق حقه‌ی ملتمان

حزب شیوعی کردستان
دفتر سیاسی
۲۰۱۴/۳/۳۰

خود دیده و پیشرفت مثبت آن همچنان ادامه دارد، این امر ضرورت تأمل در باب یکصدایی و انسجام و اتحاد در صفوف نیروهای کردی و کردستانی را به عنوان عامل و چهارچوبی موضوعی در جهت دستیابی به حقوق ملی و میهنی‌مان به گونه‌ای دموکراتیک و مسالمت‌آمیز یادآور می‌گردد.

یک بار دیگر تأکید می‌کنیم که ما در حزب شیوعی کردستان پشتیبان و همکار مبارزات ملتمان در هر چهار بخش کردستان به‌ویژه کردستان ایران علیه هر گونه استثمار ملی و میهنی و نقض حقوق

مبارزات گذشته‌ی جنبش ملی و میهنی کردستان ایران و تداوم مبارزات آن در راه دستیابی به حقوق ملی و میهنی شده است.

دوستان گرامی! همانگونه که همگان استحضار داریم، امروز ۶۷ سال از به دارآویختن نخستین رئیس‌جمهور کردستان، قاضی محمد و یارانش می‌گذرد که به دست رژیم شاهنشاهی ایران اعدام شدند. یاد و خاطره‌ی این روز برای همه‌ی ما، معنایی بیش از سوگواری و اندوه به عنوان یک خاطره‌ی تلخ دارد و به درازای این ۶۷ سال تبدیل به یکی از عوامل و اهرم‌های مهم، مؤثر و بنیادین در مراحل



شرکت هیأت حزب دمکرات در مراسم نوروز در مقر کومله

هیأت حزب دمکرات کردستان ایران در مراسم برافروختن آتش نوروز به مناسبت فرا رسیدن سال ۲۷۱۴ کردی که در مقر کومله زحمتکشان کردستان ایران در زرگوبز برگزار شد، حضور یافت.

به گزارش وبسایت کوردستان میدیا، بعد از ظهر روز پنجشنبه ۲۹ اسفندماه سال ۱۳۹۲، هیأتی به نمایندگی از حزب دمکرات کردستان ایران به سرپرستی "کریم پرویزی" عضو دفتر سیاسی این حزب، در مراسم نوروزی کومله زحمتکشان کردستان ایران حضور یافت و از سوی هیأتی از کومله زحمتکشان کردستان ایران به سرپرستی "عبدالله مهتدی" دبیرکل این حزب، مورد استقبال قرار گرفت.



مراسم نوروز در اردوگاه کومله زحمتکشان کردستان ایران، از چندین بخش مختلف از جمله موسیقی، سخنرانی و ... تشکیل شده بود. آخرین بخش این مراسم نیز به

محکومیت یک شهروند کرد به ۱۰ سال زندان



سوی نیروهای رژیم ایران احضار و بازداشت شده است.

ماه گذشته یک شهروند کرد اهل روستای "ایندرقاش" مه‌باد به ۱۰ سال زندان محکوم شده است. به گزارش وبسایت کوردستان میدیا، یک شهروند کرد به نام "سامرند فرهمندی"، ۲۳ ساله، فرزند کامیل، از سوی دادگاه انقلاب مه‌باد به ۱۰ سال زندان محکوم شده است. اتهام این شهروند کرد، "امنیتی" اعلام شده است.

"سامرند فرهمندی" تا مدت ۲۰ روز پس از تأیید این حکم، می‌تواند اعتراض خود را نسبت به حکم صادره اعلام کند. این شهروند کرد تاکنون چندین بار از

حضور نماینده‌ی حزب در اتریش در مراسم نوروزی سفارت عراق

نماینده‌ی حزب دمکرات کردستان ایران در کشور اتریش با دعوت رسمی سفارت عراق و نمایندگی اقلیم کردستان در مراسم جشن نوروز شرکت کرد.

به گزارش وبسایت کوردستان میدیا، "هیوا بهرامی" نماینده‌ی حزب دمکرات کردستان ایران در کشور اتریش در مراسم جشن نوروز که توسط نمایندگی حکومت اقلیم کردستان و سفارت عراق تدارک



دیده شده بود، شرکت کرد. در این مراسم که در شهر وین برگزار شد، شماری از شخصیت‌های سیاسی اتریش و اعضای پارلمان و نمایندگی جریانات سیاسی حضور داشتند، نماینده‌ی حزب دمکرات با برخی چهره‌های برجسته‌ی سیاسی و اعضای پارلمان اتریش ملاقات حضوری انجام داد.

کمیته‌ی شیلند حزب دمکرات از خانواده‌های شهیدان دیدار کرد



دیدار کرد. به گزارش وبسایت کوردستان میدیا، روز یکشنبه دهم فروردین‌ماه سال ۱۳۹۳،

هیأتی به نمایندگی از کمیته‌ی شیلند حزب دمکرات کردستان ایران با شماری از خانواده‌های شهیدان راه آزادی کردستان

شصت و هفتمین سالگرد شهادت پیشوا قاضی محمد و روز شهیدان کردستان، هیأت کمیته‌ی حزب دمکرات کردستان ایران - شیلند در کشور دانمارک با خانواده‌ی چندین شهید راه آزادی کردستان دیدار کردند. هیأت کمیته‌ی شیلند حزب دمکرات به سرپرستی "دیار مولایی" از منزل "حاجیه زبیده"، مادر شهید "کمال قادرزاده" دیدار کرد. این دیدار باعث خوشحالی حاجیه زبیده شد که خانواده‌ی آنان تاکنون ۹ شهید را در راه آزادی کردستان به ملت کرد تقدیم کرده‌اند.

رژیم ایران، اصلی‌ترین عامل افزایش

آمار جهانی اعدام

عراق را از عوامل اصلی افزایش مجازات مرگ در جهان معرفی کرده است. سالیب شتی، دبیرکل این سازمان فسادولتی و حقوق بشری، با "شرم‌آور" توصیف کردن چنین مسأله‌ای در کشورهای عراق و ایران می‌گوید: "این کشورها در سمت اشتباه تاریخ قرار دارند و در واقع بیشتر و بیشتر منزوی می‌شوند." بر اساس آمار ثبت‌شده از سوی سازمان عفو بین‌الملل، در سال ۲۰۱۳ میلادی در ایران ۳۶۹ و در عراق نیز ۱۶۹ نفر اعدام شدند. این درحالیست که بر اساس گزارش آژانس خبرسانی کردپا و بر اساس آمار ثبت‌شده از سوی مرکز آمار این آژانس، ۷۲۶ مورد اعدام طی سال ۲۰۱۳ میلادی از سوی رژیم ایران اجرا شده است.

سازمان عفو بین‌الملل طی جدیدترین گزارش خود، رژیم ایران و عراق را عامل افزایش شدید آمار اعدام‌ها در جهان توصیف کرده است. به گزارش وبسایت کوردستان میدیا، سازمان عفو بین‌الملل در جدیدترین گزارش خود که هفتم فروردین‌ماه سال ۱۳۹۳ منتشر نموده است، می‌گوید که گروه کوچکی از کشورهای منطقه‌ی خاورمیانه عامل افزایش ۱۵ درصدی آمار اعدام‌ها در جهان می‌باشند. بر اساس آمار این سازمان جهانی، طی سال ۲۰۱۳ میلادی آمار اعدام‌ها در جهان نسبت به سال گذشته میلادی ۱۵درصد افزایش یافته است. سازمان عفو بین‌الملل، رژیم ایران و



سرنگون باد رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی ایران

بارش شدید تگرگ و خسارت وارده به مزارع کردستان



این باورند که رژیم ایران با سکوت در قبال این رویداد، قصد جبران خسارات وارده را ندارد.

دچار آسیب شود. همچنین بر اثر بارش تگرگ، به مزارع گندم، جو و کلزای بخش کلات مورموری آبدانان بین ۹۰ تا ۱۰۰ درصد خسارت وارد شده است. بر اساس گزارش‌های منتشره از سوی خبرگزاری‌های داخلی، بارش باران و برف بیش از هفت میلیارد ریال خسارت به راه‌های ارتباطی این شهرستان وارد کرد. کشاورزان مناطق کردنشین ایران که دچار ضرر و خسارت جبران‌ناپذیری شده‌اند و از هم‌اکنون نگران عدم وجود درآمد می‌باشند و با وجود وضعیت اقتصادی نامناسب در ایران این نگرانی چندین برابر شده است. شهروندان مناطق کردنشین ایران بر

بارش تگرگ به بسیاری از مزارع و باغات استان‌های کردنشین، خسارت‌های جبران‌ناپذیری وارد کرده است. به گزارش وبسایت کوردستان میدیا، بارش باران، تگرگ و برف طی چند روز اخیر در بسیاری از شهرهای کردستان باعث وارد شدن خسارت به بسیاری از باغ‌ها و مزارع شهروندان کرد شده است. این موج بارش که دهم فروردین‌ماه به اوج خود رسیده بود، به مزارع شهروندان کرد از جمله ماکو، خوی، سلماس، ارومیه، اشنویه و پیرانشهر خسارت وارد کرده است. در همین ارتباط، بارش تگرگ در شهرستان کرمانشان باعث شد که هفت هزار و هفتصد هکتار از زمین‌های زراعی

نرخ برقراری انشعابات برق در سروآباد ۵ برابر شده است



افزایش ۴۰۰ درصدی نرخ برقراری انشعابات برق در سروآباد باعث نارضایتی

شهروندان شده است. به گزارش خبرگزاری‌های داخلی، نرخ برقراری انشعابات برق در شهر سروآباد و روستاهای حومه و تمامی روستاهای تابعه‌ی این شهرستان ۵ برابر شده است. این افزایش سرسام‌آور نرخ برقراری انشعابات برق در سروآباد باعث ایجاد موج گسترده نارضایتی در میان شهروندان این شهرستان شده است. بر اساس گزارش‌های منتشره، افزایش ۴۰۰ درصدی نرخ برقراری انشعابات برق پس از تصمیم دولت و بدون هیچ گونه توجهی به وضعیت درآمد شهروندان این منطقه تصویب شده است.

امام جمعه روستای "نی" در پی فشار اداره‌ی اطلاعات رژیم مریوان را ترک کرد



مریوان احضار و مورد بازجویی قرار گرفته است.

ملا صاحب غریبی، امام جماعت روستای نی از توابع مریوان، به دلیل اعمال فشارهای مکرر اداره‌ی اطلاعات رژیم، شهرستان مریوان را ترک کرده و به شهر بانه نقل مکان کرد. به گزارش وبسایت کوردستان میدیا، در چند روز اخیر ملا صاحب غریبی، ادیب و شاعر میهن‌دوست و امام جمعه روستای نی به علت فشار نیروهای اطلاعاتی و امنیتی سسنندج و مریوان، ناگزیر محل سکونت خود را ترک کرده و به شهر بانه نقل مکان نمود. این شخصیت میهن‌دوست و ادیب شهرستان مریوان و کردستان ایران تاکنون بارها توسط نیروهای اطلاعاتی رژیم مورد تهدید و قرار گرفته و برای چندین بار متوالی به اداره‌ی اطلاعات

مأموریت احمد شهید برای یک سال تمدید شد



پرو، رومانی، آمریکا و بریتانیا از جمله کشورهای هستند که به احمد شهید رأی موافق داده‌اند و کشورهای هند، اندونزی، پاکستان، روسیه، ویتنام، چین و کوبا با رأی مخالف عدم رضایت خود از انتخاب مجدد گزارشگر امور حقوق بشر ایران اعلام نموده‌اند.

انجمن حقوق بشر سازمان ملل متحد با اکثریت آرا، مدت مأموریت "احمد شهید" گزارشگر ویژه‌ی امور حقوق بشر ایران را برای یک سال تمدید کرد. روز جمعه مورخه ۸ فروردین، انجمن حقوق بشر سازمان ملل متحد در نشست ژنو با ۲۱ رأی موافق، ۱۶ رأی ممتنع و ۹ رأی مخالف، مأموریت احمد شهید را بعنوان گزارشگر ویژه‌ی حقوق بشر در ایران تمدید نمود. بر اساس این انتخابات احمد شهید به عنوان گزارشگر ویژه‌ی سازمان ملل متحد در امور حقوق بشر ایران تا ماه مارس سال ۲۰۱۵ به فعالیت خود ادامه خواهد داد. آرژانتین، اتریش، شیلی، کاستاریکا، جمهوری چک، استونی، فرانسه، آلمان، ایرلند، ایتالیا، ژاپن، مکزیک، هلند،

ادارات محیط زیست و جنگلانی رژیم در ارومیه، استفاده از چراگاه‌های بخش انزل را ممنوع کردند

مدت اخیر، ساکنین حومه ارومیه به شهرهای مجاور از جمله سلماس و ارومیه روی آورده و تمامی محصولات کشاورزی و دامداری خود را با قیمت ناچیزی به فروش رسانده‌اند.

ناحیه مرزنشین انزل در حالی است که طبق شرایط آب و هوایی این منطقه، دامداران طی سال‌های گذشته از دهم اسفندماه از این چراگاه‌ها استفاده نموده‌اند. در نتیجه فشار همه‌جانبه رژیم در



فشار بر ساکنین مرزنشین ارومیه، پس از تخلیه برخی روستاها و بستن مرز به روی کولبران در اقدامی تازه چراگاه‌های نواحی مرزی را توقیف کرد. ممنوعیت چرای دام‌های ساکنین

ادارات محیط زیست و جنگلانی ارومیه چرای دام‌های دامداران بومی را از اول فروردین‌ماه تا اطلاع ثانوی، ممنوع اعلام کردند. به گزارش وبسایت کوردستان میدیا، در ادامه اقدامات رژیم و اعمال

دست کم ۱۴ کشته در تصادفات هفته نخست سال ۱۳۹۳ در کردستان

در یکی از این تصادفات که در محور بانه - سقز به وقوع پیوست، یک شهروند که سرنشین یک خودروی پراید بود، جان خود را از دست داد. همچنین در محور سسنندج - همدان نیز بر اثر واژگونی یک دستگاه خودروی پراید یک شهروند کشته شد. در همین ارتباط و بر اساس گزارش دریافتی از سقز، روز چهارشنبه ششم فروردین‌ماه سال جاری یک فقره تصادف در محور اصلی سقز - دیواندره به وقوع پیوسته است. بر اثر این تصادف که به دلیل انحراف به چپ یک پراید به وقوع پیوسته است، ۳ شهروند جان خود را از دست داده و ۲ نفر نیز به شدت زخمی شدند. همچنین طی چند روز اخیر، یک سانحه‌ی رانندگی در مسیر میرآباد - جوانرود به وقوع پیوست و بر اثر برخورد یک تویوتا با یک موتور سیکلت، یکی از سرنشینان موتور جان باخته و دیگری نیز بر اثر ضربه مغزی به کما رفته است. بسیاری از کارشناسان وقوع تصادفات زیاد در محورهای ارتباطی استان‌های کردنشین ایران را به غیراستاندارد بودن جاده‌ها و محورهای ارتباطی و همچنین غیراستاندارد بودن خودروها نسبت می‌دهند.

داده است. ساکنین مناطق مختلف سردشت و پیرانشهر به وقوع پیوستن چنین حوادثی را به غیراستاندارد بودن جاده‌ها و محورهای ارتباطی و نبود گارد و حفاظ در جاده‌ها برمی‌گردانند. همچنین روز پنجشنبه ۲۹ اسفندماه سال ۱۳۹۲، بر اثر یک تصادف در میدان آزادی پیرانشهر، سرنشین خودروی تویوتا جان خود را از دست داد. در همین رابطه، رئیس پلیس فرماندهی انتظامی ارومیه، سوم فروردین‌ماه سال ۱۳۹۳ اعلام کرده بود که از ۲۵ اسفندماه و طی آن ۸ روز، ۴ نفر بر اثر حوادث رانندگی در جاده‌های استان جان باخته‌اند. همچنین روز پنجشنبه ۲۲ اسفندماه سال ۱۳۹۲ نیز بر اثر برخورد یک دستگاه کامیون و یک خودروی سواری پژو ۲۰۶ در نزدیکی سه‌راه روستای نی از توابع مریوان، سه شهروند کرد مجروح شده و پس از انتقال به بیمارستان جان باختند. رئیس پلیس فرماندهی انتظامی استان کردستان نیز مورخه پنجم فروردین‌ماه سال ۱۳۹۳ اعلام کرد که طی چند روز اخیر در جاده‌ها و محورهای ارتباطی استان، ۱۲ فقره تصادف به وقوع پیوسته است.

طی هفته‌ی نخست سال ۱۳۹۳، بیش از ۸ فقره تصادف منجر به مرگ در کردستان به وقوع پیوسته و طی این تصادفات نزدیک به ۲۰ شهروند کرد جان باخته و یا مجروح شده‌اند. ماشین مستهلک و جاده‌های غیراستاندارد در کردستان همچنان قربانی گرفته و با توجه به ترافیک سنگین محورهای ارتباطی در کردستان، قربانیان حوادث و سوانح رانندگی در کردستان طی این هفته به شدت افزایش یافته است. به گزارش وبسایت کوردستان میدیا، طی هفته‌ی نخست سال ۱۳۹۳، سه شهروند بر اثر واژگونی سمند در ۲۰ کیلومتری دهلران کشته شدند. گزارش‌های منتشره حاکی از این می‌باشند که یک خودروی سواری سمند در محور ارتباطی مورموری - دهلران واژگون شده و متعاقب انفجار باک بنزین این ماشین سه نفر کشته شدند. در همین ارتباط، شامگاه یکشنبه سوم فروردین‌ماه سال ۱۳۹۳، یک خودروی سواری پژو ۴۰۵ به دره گرازل در مسیر سردشت - پیرانشهر سقوط کرد. یکی از دو سرنشین این ماشین نجات یافتند اما راننده ماشین ناپدید شده و گفته می‌شود که جان خود را از دست

کردهای کالیفرنیا جشن نوروز را برپا کردند

کالیفرنیا، برافروخته شد و ایشان در سخنانی از اهمیت جشن نوروز گفت و اشاره نمود که باید از این فرصت بهره برد و فرهنگ و تاریخ ملی کرد و کردستان را هرچه بیشتر به نسل آینده معرفی کرد. در ادامه، دیاری احمد، مدیر سازمان مجری به زبان انگلیسی و هاشم هولیری به زبان کردی مجموعه مباحثی را در مورد لزوم پرداختن کردهای مقیم خارج از کردستان به مناسبت‌های ملی ارائه نمودند. بخش پایانی مراسم با صدای هنرمندان مهمان و شادی حاضرین پایان یافت.

مراسم جشن نوروز در ایالت غربی آمریکا با حضور بیش از ۲۰۰ شهروند کرد مقیم این کشور برگزار گردید. به گزارش وبسایت کوردستان میدیا، سازمان مجمع کردهای مقیم جنوب کالیفرنیا که در کشور آمریکا سازمانی رسمی است، با دعوت از کردهای مقیم این ایالت، مراسمی را برای جشن نوروز ۲۷۱۴ تدارک دیدند. مراسم با خوش‌آمدگویی به مهمانان و ارائه ردیف برنامه‌های جشن نوروز، توسط مجریان آغاز شد. سپس آتش نوروز توسط دکتر ثریا فلاح، معاون سازمان مجمع کردهای



پیام کمیسیون امور اجتماعی حزب

به مناسبت روز شهیدان کردستان



طاہر محمودی

مقدس کردستان و فرزندان ملتش را نظاره کند که با تمام وجود خویش به آن‌ها خدمت نمود و در این راه فداکاری نمود. درست است که جمهوری کردستان از بین رفته است، اما آرمان‌های جمهوری کردستان همچنان آرمان مردم کردستان هستند. مردم کرد در کردستان ایران همچنان رهرو راهی هستند که پیشوا و هزاران شهید دیگر کردستان با نثار جان خویش، آن را مزین نموده‌اند که همان راه آزادی و رهایی ملت کرد است.

هم‌میهنان گرامی!

فلسفه‌ی وجودی جمهوری کردستان به رهبری پیشوا آینده‌نگری و دوربینی این شخصیت شهیر و سرد و گرم چشیده‌ی عرصه‌ی مبارزات ملی‌گرایانه و مسأله‌ی ناسیونالیسم بود. پیشوا در انجماد فکری آن زمان توانست مسأله‌ی مهمی چون ناسیونالیسم را به شیوه‌ای مدرن و امروزی مطرح و برجسته نماید و برخی از مبانی ناسیونالیسم را تقویت نماید. پیشوای ملت کرد با عملکرد خویش خواست به نسل آینده بگوید که شکل گرفتن ناسیونالیسم و ثبات آن، به فداکاری و جانفشانی نیاز دارد و این موضوع را به خوبی دریافته بود که برای تثبیت ناسیونالیسم زمان بسیار مناسبی است، به همین دلیل، بخش اعظمی از نیرو و توان جمهوری کردستان را در این راه سازمان داد و درصدد بود که مسأله‌ی فرهنگ عمومی کرد را بن‌مایه‌ی کار دیپلماسی نماید. این چند نکته، نشان‌دهنده‌ی این امر است که مبانی ناسیونالیسم کردی برعکس گفته‌ی برخی قلم به دستان که برای "قومیت" تبلیغ می‌کنند، افزون بر نیم قرن پیش شکل گرفته است.

به همین دلیل، ضروری می‌نماید که ملت کرد و حزب پیشوا، مبانی ناسیونالیسم را با تکیه بر تئوری‌های جهانی تقویت نمایند و مسأله‌ی "هویت و ماهیت" را در ناسیونالیسم برجسته نموده و فاصله و تفاوت‌ها را معین نماید.

خواهران و برادران گرامی!

پیشوا قاضی با بررسی اوضاعی که به دلیل جنگ دوم جهانی به وجود آمده بود و

و ایستادگی در آن ثبت نشده باشد.

با گسترش میدان نبرد تحمیلی، رهبر بزرگوار، دکتر قاسملو به منظور انجام تمهیدات و آمادگی هرچه بیشتر و وارد آوردن ضربه‌ی مؤثرتری بر دشمن، از اتحادیه‌ی میهنی کردستان درخواست همکاری کرد که تحت عنوان نیروی پشتیبان همچون حامی و پشتیبان حزب دمکرات، با حزب همکاری نمایند که با اتخاذ موضعی بجای و ملی به درخواست حزب پاسخ دادند و با نثار جان ۱۵ نفر از فرماندهان و پیشمرگان و نیز زخمی شدن ده‌ها نفر دیگر از آنها، برگ زرینی در تاریخ به ثبت رسید.

لازم به ذکر است که مبارزین حزب شیوعی و حزب سوسیالیست نیز با فدا نمودن جان بهترین کادرها و پیشمرگان‌شان وظیفه‌ای خطیر و ملی را به انجام رساندند و تعدادی از بهترین کادرهایشان شهید شدند و در این راستا از هیچ کوشش و خدمتی به این مبارزه دریغ ننمودند. وظیفه‌ی خویش می‌دانیم که مراتب سپاس و قدردانی خویش را نثار مبارزین کردستان ترکیه و به ویژه تلاش و خستگی‌ناپذیری رفقایمان در پارت سوسیالیست کردستان ترکیه نمائیم که با عملکرد خویش در میدان مبارزه‌ی مشروع ملتمان از هیچ فداکاری دریغ ننموده‌اند. حضار گرامی!

در میان ملت‌های دیگر ایران نیز فرزندان ملت ترک آذربایجانی، تعدادی از مبارزان‌شان را تقدیم راه آزادی نموده و به مکتب و آرمان‌های حزب وفادار بوده‌اند که از آن میان، مبارز همیشه وفادار، مهندس رضا خیاطی را می‌توان نام برد. مبارزان ملت بلوچ نیز با دلسوزی و تلاش و کوشش خویش همگام با پیشمرگان حزب، دلسوزانه به جنبش آزادیخواهانه و رهایی‌بخش ملت کرد و حزب دمکرات خدمت نموده‌اند.

هنگامی که از روز شهیدان کردستان سخن به میان می‌آید، نمی‌بایستی فداکاری تمام نیروها و جریان‌های سیاسی دیگر کردستان ایران در میدان مبارزه را فراموش نمائیم که با فداکاری‌های خویش در زندان‌ها و به زانو درآوردن جلادان رژیم و نثار جان پیشمرگان‌شان، نقش مناسب خویش را در خدمت به حقوق مشروع و روای مردم کردستان ایفا نموده‌اند.

هنگامی که گذشته‌ی پرافتخار حزبمان را مرور می‌نمائیم، مشاهده می‌کنیم که در این راه، صدها توطئه‌ی دشمنان را نقش بر آب نموده و جان هزاران نفر از بهترین مبارزان خویش را فدای خاک مقدس کردستان نموده است. اما برای لحظه‌ای نیز از مطالبات روای خویش دست برنداشته و با پشتیبانی آحاد مردم کردستان و با ایمان و باور به مکتب و راه شهیدان، ثابت‌قدم و استوار تا رسیدن به رهایی نهایی و دست

یافتن به حقوق ملی، به مبارزه و فعالیت ادامه خواهد داد.

جمهوری اسلامی ایران نیز با تمام توان برای از بین بردن و دشمنی با مردم کردستان و حزبمان تلاش نموده و در خیال خام خویش به اهداف ضد مردمی‌اش می‌رسد. مشاهده می‌نمائیم که ترور، اعدام و هر نوع راه و شیوه‌ای را می‌آزماید، اما همیشه با شکست روبرو شده و خواهد شد. در چند ماه گذشته، مسئولین رژیم در چندین شهر کردستان به دیدار خانواده‌های سرفراز شهیدان حزب دمکرات رفته و با دادن وعده و وعید، از آنها خواسته‌اند در رابطه با گذشته‌ی شهیدان سخن بگویند و از جمهوری اسلامی تقاضای بخشش نمایند. مهره‌های اطلاعات از این موضوع بی‌اطلاعتند که خانواده‌های شهیدان به خوبی می‌دانند که جگرگوشه‌هایشان، جان خویش را در راه مبارزه برای آزادی و رهایی کردستان و حقوق ملی فدا نموده‌اند و هرگز حاضر نیستند در برابر رژیمی که قاتل فرزندان‌شان است، سر فرود آورند. فلسفه‌ی رژیم از آغاز روی کار آمدنش براساس ضدیت و دشمنی با ملت کرد بنا نهاده شده است. به همین دلیل، مردم کردستان و مبارزان حزب، فرد شهیدان را جزئی از خانواده‌ی خویش می‌دانند و شهیدان تنها به خانواده‌هایشان تعلق ندارند، بلکه متعلق به ملت کرد هستند. زیرا در راستای بهروزی این مردم، جان خویش را فدا نموده‌اند و لذا بهترین پاداش برای این فداکاری‌ها، وفاداری به آرمان‌های آنان می‌باشد.

توده‌های شرافتمند مردم کردستان!

همانگونه که تاکنون به اثبات رسانده‌اید، با رفتن بر مزار شهیدان و ادای احترام به آنها وظیفه‌ی میهنی خویش را در رابطه با خانواده‌های شهیدان و وفاداری خویش را نسبت به خانواده‌های شهیدان و حزبتان ثابت نموده‌اند. با اتخاذ چنین موضعی، چشم دشمنان آزادی را کور نموده‌اید و دل یادگارهای شهیدان و هم‌سنگران‌شان را شاد می‌کنید و مطمئن باشید که خورشید آزادی طلوع می‌کند! در رابطه با حزب دمکرات نیز یقین داشته باشید همانند همیشه، حزبمان به اصول غیرقابل تغییر خویش یعنی دموکراسی، حقوق ملی و استقلال در تصمیم‌گیری سیاسی در برابر خون به ناحق ریخته‌شده‌ی شهیدان وفادار خواهد بود و هیچ‌گونه فشار و وضعیتی، گام‌هایش را در این راه سست نخواهد کرد.

در شصت و هفتمین سالگرد اعدام پیشوا و همراهانش، ضمن ادای احترام به ساحت مقدس پیشوا و تمام شهیدان کردستان، با اهداف و آرمان‌های آنها تجدید پیمان نموده و امیدواریم تا رسیدن به آزادی و رهایی، به این عهد و پیمان وفادار بمانیم.

دروود بر نخستین رئیس‌جمهور شهیدمان، قاضی‌محمد و تمام شهیدان کردستان!

مرگ و نابودی از آن رژیم جمهوری اسلامی!

حزب دمکرات کردستان ایران

کمیسیون امور اجتماعی

۱۰ فروردین ماه ۱۳۹۲ خورشیدی

مصطفی هجری

به این رژیم تهمت نزنید!



مصطفی هجری

موجود در مورد وجود یا فقدان برنامه‌ی مشخص رژیم به منظور رفع تبعیضات تحمیل شده به ملیت‌های غیر فارس در ایران مفید باشد: سؤال: عنوان "دستیار ویژه‌ی رئیس‌جمهور" دقیقاً به معنای چیست و آیا شرح وظایف آن مشخص شده است؟ پاسخ: "فعلاً جایگاه تشکیلاتی و موقعیت سازمانی آن در مجموعه‌ی دولت به طور دقیق تعیین نشده است. البته ما پیشنهادهایی تدوین و به سازمان مدیریت عرضه کرده‌ایم و در حال بررسی است، اما نحوه‌ی تعامل با سایر وزارتخانه‌ها، شرح وظایف و ساختار سازمانی ما تعیین نشده است."

بدین ترتیب می‌بینیم نهادی که قرار است در راستای رفع تبعیض و تأمین حقوق پایمال‌شده‌ی "اقلیت‌ها" گام بردارد، بعد از گذشت ۹ ماه هنوز جایگاه تشکیلاتی و موقعیت سازمانی آن تعیین نشده است.

بنا بر این می‌توان گفت رژیم بطور کلی اعتقادی به وجود این حقوق ندارد تا بطور برنامه‌ریزی شده در جهت تأمین آنها کار کند و این نهاد هم شیر بی‌بال و دم و اشکمی است که جهت تبلیغات داخلی و خارجی بنیانگذاری شده است.

سؤال: شما زبان را یکی از عناصر اصلی اقوام دانستید. از طرف دیگر، خود شما و گویا دولت به دنبال طرح آموزش زبان‌های محلی به عنوان یک مطالبه و حق قانونی هستند. دولت در این زمینه دقیقاً قرار است چه کار کند؟

پاسخ: "اولاً باید میان زبان و لهجه تفکیک قائل شد. فارسی یک زبان است که لهجه‌های متعددی دارد، گیلکی، مازنی، خراسانی و کردی همگی لهجه‌های یک زبان هستند، زبان فارسی. وقتی صحبت از زبان می‌کنیم منظورمان زبان‌هایی مثل فارسی، عربی، انگلیسی و ترکی است..."

می‌خواهم نگرانی برخی‌ها را که می‌گویند تدریس زبان‌های قومی به زبان فارسی آسیب می‌رساند، رفع کنم، چطور است که با تدریس انگلیسی و عربی در مدارس، فارسی آسیب نمی‌بیند، اما با تدریس زبانی مثل ترکی، آسیب می‌بیند"

این پاسخ از دو نظر حائز اهمیت است: اول آنکه کردی زبان نیست، بلکه لهجه‌ای از زبان فارسی است، بنابراین در برنامه‌ی کار آقای یونسی - اگر برنامه‌ای تهیه شد - جایی برای تدریس آن وجود ندارد. آهنگی به گوش آشنا که آن را بطور مکرر در زمان رژیم‌های شاه و شیخ شنیده‌ایم و اکنون از زبان مسئول نهادی آن را می‌شنویم که گویا قرار است در رابطه با آموزش زبان‌های محلی طرحی داشته باشد.

دوم آنکه در رابطه با زبان‌هایی که ایشان به وجودشان اعتقاد دارد، مثل ترکی و عربی هم تنها درصدد است که رفع نگرانی کند از حضراتی که می‌گویند تدریس زبان‌های قومی به فارسی آسیب می‌رساند، نه اقداماتی در راستای آماده‌کاری برای تدریس آنها و اینکه آیا ایشان در این رفع نگرانی موفق خواهد شد یا نه، باید صبر پیشه کرد. خبرنگار بار دیگر درباره‌ی زبان کردی از ایشان سؤال می‌کند و آقای یونسی پاسخ می‌دهند:

کرده‌اند که در پاسخ چند سؤال پیش فرمودند که "می‌خواهم نگرانی برخی‌ها را که می‌گویند تدریس زبان‌های قومی، به زبان فارسی آسیب می‌رساند رفع کنم" خوب این مسأله مهم نیست زیرا که می‌گویند "دروغگو کم حافظه است" و درست گفته‌اند.

ایشان در ادامه می‌افزایند که "اما اجرای این کار، نیازمند ظرافت‌های فراوان و دقت نظرهای فنی زیاد است و شاید همین مسأله باعث شده که اجرای اصل ۱۵ قانون اساسی تاکنون با تأخیر مواجه شده. کشور ما هم در این جهت تجربه‌ی مدونی ندارد و طبیعی است که باید با تدبیر و حساسگری سراغ آن رفت."

باید گفت که آقای یونسی اصلاً نگران این تأخیر نباشند چون تاکنون تنها سی و چند سالی با تأخیر مواجه شده است و در مقام مقایسه با تاریخ خلقت زمین همچون قطره‌ای از دریاست و چون کشور آقای یونسی در این جهت تجربه‌ی مدونی ندارند و نمی‌شود از تجربه‌ی کشورهای دیگری که این معضل را حل کرده‌اند استفاده کرد، پس این استدلال ناب برای همیشه کاربرد ویژه‌ی خود را دارد و ملیت‌های ایرانی و البته به زعم دستیار ویژه، عرب‌ها و ترک‌ها را حالا با این استدلال راضی کرده‌اند، بدین جهت از آقای دستیار سیاس‌گزارند!

خبرنگار می‌پرسد: "شما معتقدید که تدریس زبان‌های محلی، مطالبه‌ی اول اقوام ایرانی نیست. تا حالا تحقیقی صورت گرفته تا نشان دهد که اولویت اقوام در ایران چیست؟ سیاسی است؟ مدیریتی است؟ اجتماعی است؟ یا فرهنگی؟ ایشان در پاسخ می‌گویند "به تناسب هر قوم، مطالبات و اولویت مطالبات متفاوت است، در برخی مناطق مطالبه و اولویت اصلی رفع تبعیض است، مثلاً در میان بلوچ ها و کردها" و در ادامه "بیشتر در میان سنی‌مذهبان اینطور است، ما هم این مسائل را درک می‌کنیم اگرچه معتقدیم بخش زیادی از این احساس القایی است، اما سعی داریم زمینه‌های تبعیض و احساس تبعیض را در این مناطق رفع کنیم". این یعنی حل مشکلات جامعه به سبک جمهوری اسلامی، همانند حل معضل تدریس زبان‌های ملی به سبک آقای یونسی. در مورد تبعیض نیز ایشان صورت مسأله را کاملاً حذف می‌کنند تا به سادگی حل مشکل تدریس زبان محلی، آن را نیز حل کنند و آن اینکه گویا اعمال تبعیض از طرف حکومت امام زمان بر ملیت‌های ایرانی و به قول یونسی "قومیت‌ها" وجود ندارد بلکه آنچه هست، احساس تبعیض است، درست مانند کسی که دچار نوعی مشکل روانی می‌شود و بدون دلیل، احساساتی به وی دست می‌دهد و تازه این احساس هم بخش عمده‌اش القایی است، به این معنی که از جانب دیگری به وی القا می‌شود و گرنه در اصل این مسأله وجود ندارد، و چیزی که وجود ندارد (تبعیض) ایشان زمینه ها و احساس آنرا می‌خواهند رفع کنند که این خود کلاف سردرگمی است و اما در پاسخ سؤال بعدی که سخن از "محرومیت‌زدایی از مناطق قومی" است. کار را آسانتر هم کرده‌اند با این پاسخ که "... البته من به عنوان دستیار ویژه‌ی رئیس‌جمهور در مورد

ادامه‌ی در صفحه‌ی ۶

کریمه میان شرق و غرب

ترجمه: رضا فتح‌الله‌نژاد

رویداد اخیر کریمه و استقلال آن از اوکراین با حمایت نیروهای روسیه، یکی از موضوعات روز روزنامه‌ها و سایت‌های غربی بوده است. در کل، این رسانه‌ها بیشتر به محکوم کردن لشکرکشی یکجانبه‌ی پوتین به اوکراین و درنوردیدن مرزهای این کشور بدون اجازه‌ی سازمان ملل متحد پرداخته و کمتر بدین موضوع پرداخته‌اند که حق تعیین سرنوشت برای مردم کریمه، همچنان که در اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر آمده، حقی مسلم است.

سایت "واشنگتن پست" در بخش نظریات خود، مقاله‌ی کوتاهی از آدام تایلور، از نویسندگان بخش سیاست خارجی روزنامه "واشنگتن پست" درباره‌ی مراسم تقدیر از ارتش روسیه توسط پوتین منتشر کرده است. در مقاله که تحت عنوان "پوتین می‌گوید کریمه قابلیت‌های جدید ارتش روسیه را نشان داد" انتشار یافته است، نگارنده به موضوع تجاوز نظامی روسیه و محکوم کردن این لشکرکشی به اوکراین می‌پردازد.

بخشی از متن مقاله چنین است: ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه روز جمعه در کرملین با شماری از افسران نظامی دیدار و به آنها اعلام کرد که در آزمون‌های اخیرشان موفق عمل کرده‌اند.

بر اساس ترجمه‌ای از خبرگزاری روسی، "ریا نوستی"، پوتین در مراسمی گفت: "رویدادهای اخیر در کریمه آزمونی جدی بود که کیفیت توانایی‌های جدید پرسنل نظامی ما و روحیه والای اخلاقیشان را نشان داد."

این سخنان تا حدودی تعجب ناظران را برانگیخت. در بحبوحه‌ی کشمکش در کریمه، هنگامی که مردان مسلح که شبیه سرباز بودند، پایگاه‌های نظامی اوکراین را محاصره کردند، پوتین این ادعا را رد کرد که آنها سربازان روسی در خاک این جزیره هستند. او برخلاف آن، ادعا کرد که آنها فقط "نیروهای به خوبی آموزش‌دیده‌ی خودجوش" هستند که یونیفورم‌هایشان را از فروشگاه‌ها خریداری کرده‌اند. با وجود این سخنان هم، برخی از کارشناسان گفتند نیروی سربازی مزبور واقعاً بسیار به سربازان روسی شبیه هستند و حتی فیلمی از برخی از این نیروهای "خودجوش" موجود است که ادعان می‌کنند نیروی نظامی روسیه هستند.

بنابراین، آیا پوتین پذیرفته که دروغ گفته است؟ مطمئناً رئیس‌جمهور روسیه این استدلال را پیش می‌کشد که منظور وی پرسنل نیروی دریای سیاه در ایستگاه سواستوپول بوده است یا اینکه نظامیان روسی تنها پس از رفتاردوم موفقیت‌آمیز جهت پیوستن به روسیه، وارد کریمه شده‌اند.

به هر حال، سخن گفتن از "قابلیت‌های جدید" در اینجا به نظر نمی‌رسد از خشم غرب بکاهد. رئیس‌جمهور اوپاملا روز پنجشنبه گذشته در مصاحبه‌ای با خبرگزاری "سی‌بی‌اس"، از پوتین خواست نیروهایش را به پشت مرزهای اوکراین بازگرداند.

منبع:

washingtonpost.com

اسلام‌گرایان بعد از مشروطه در ایران

(بخش پایانی)

کشیدند. می‌توان مذهب‌یون غیر روحانی را نشان داد.

از میان لیبرال — مذهب‌یون نهضت آزادی و شخص‌بازرگان و یارانش گرفته تا رادیکال‌ترین اسلام‌گرایان روحانی با تأکید بر اسلام فقهاتی و تئوری ولایت فقیه که آیت‌الله خمینی آورنده‌ی آن به حوزه‌ی سیاست در ایران معاصر می‌باشد، رد پای آنها را در ایجاد نظام دینی و مذهبی در ایران با بهره‌گرفتن از اسلام سیاسی به وضوح می‌توان دید.

این جبهه‌ی گسترده‌ی مذهبی، اسلام‌گرایان روحانی و غیرروحانی بودند که تحت تأثیر شخصیت کارزماتیک خمینی قرار می‌گیرند و بر اساس گفتمان‌های چپ مذهبی، ضد امپریالیستی، اسلام مبارز، جامعه‌ی بی‌طبقه، جمهوری اسلامی، حکومت اسلامی و غیره برای یک بار دیگر مشروطیت، آرمان‌ها، نمایندگان و پیروان فکری، سیاسی، اجتماعی و حزبی آن را سرکوب و حذف نموده و به حاشیه می‌کشانند.

در این مرحله، اسلام فقهاتی به عنوان یک تئوری کلان سیاسی، عناصر و خرده گفتمان‌های مذهبی با گرایش‌های لیبرال تا چپ رادیکال را با خود همراه دارد. این گفتمان بر مبنای یک تئوری سیاسی — مذهبی در قالب ولایت مطلقه‌ی فقیه که خود را میراث‌دار شیخ فضل‌الله نوری می‌داند، با برنامه و هدایت ابزارهای تبلیغاتی، مالی، امنیتی، نظامی، سیاسی و فرهنگی به انتقام‌گیری از آرمان‌های مشروطیت، پیروان و باورمندان به عقاید آن می‌پردازد.

خمینی در همان ابتدا روشنفکران سکولار و پیشرو را دشمنان اصلی و اولیه‌ی نظام دینی و مذهبی می‌داند. او بر این عقیده است که مشروطیت و ماهیت آن در برنامه‌هایش، دشمنان اصلی و اساسی مذهب و دین اسلام هستند. لذا خمینی و یارانش با برنامه، هدف و بر اساس یک اقدام هماهنگ و منسجم، روشنفکران و معتقدان به مشروطه را به تلافی بردار رفتن شیخ فضل‌الله، به دار می‌آویزد و این دشمنی را بی‌پایان می‌داند.



مبارزاتی خود غرب را به نوعی دشمن و عامل تداوم نظام سلطه و رژیم وابسته‌ی پهلوی می‌دانستند. این دلایل کافی بود تا آنها به گفتمانی لیبیک گویند که غرب‌زدگی را یک دشنام سیاسی می‌دانست، تا جایی که آن را نتیجه‌ی وابستگی می‌دانست. غربگرایی را نکوهش و بازگشت به خویشتن، بازگشت به اسلام و بازگشت به سنت را فضیلت و ارزش برای خود تعریف می‌نمایند. این گفتمان به آرمان سیاسی — مبارزاتی آنان تبدیل می‌شود. تمام تلاش و تبلیغ خود را بر این مبنای بنیان می‌نهند. هرکدام از نمایندگان این گفتمان در میان مذهب‌یون و غیرمذهب‌یون با شیوه‌های مختلف تلاش می‌کردند که برنامه‌های اجتماعی — سیاسی فرهنگی سکولار رژیم پهلوی را به چالش بکشند. بی‌شک در این میان، بیشتر مذهب‌یون فعال، این بار برعکس دوران مشروطه از میان روحانیون و علمای دینی نبودند. بلکه بخش عظیمی از نمایندگان این اسلام‌ایدئولوژیک با قرائت‌های مختلف از میان اسلام‌گرایان غیر روحانی بودند. از میان این طیف‌های مختلف فکری، مذهبی و سیاسی که اسلام را در برابر آرمان‌های دموکراتیک، مدرنیته‌ی سکولار، آزادیخواهی، عدالت‌گرایی مشروطه به میان

چریکی آموزش‌دیده‌ی نزدیک به جنبش امل در لبنان، سوریه و لیبی، هیأت مؤتلفه‌ی اسلامی و بازار، خمینی و یاران روحانیش، حوزه، نمایندگان فقه سنتی شیعه و غیره تعریف می‌کردند.

در این اوضاع و احوال سیاسی اجتماعی ایران، گرایش‌های مذهبی و دینی به نوعی در قالب اسلام‌ایدئولوژیک، اسلام فقهاتی و اسلام راه‌ی‌بخش، اسلام را به عنوان یک برنامه‌ی اجتماعی و سیاسی به جامعه و فضای سیاسی آن عرضه کردند. آنان شروع به برداشت ملی، علمی، سیاسی، مبارزاتی، طبقاتی، فقهی و اوتوپایی از دین اسلام کردند.

این وضعیت مصادف با زمانی بود که شاه یک سیاست نرم را در قبال مذهب در پیش گرفته بود.

شاه به دنبال همکاری آیت‌الله کاشانی با کودتاکنندگان علیه مصدق، بیشتر مخالفین خود را در میان سکولارخواهان، جامعه‌ی دموکراتیک و آزادیخواهان سیاسی و پیروان اندیشه و قانون مشروطه می‌دید تا مذهب‌یون. بر همین اساس، مذهب‌یون در محیط‌های دانشگاهی، آموزشی در سطح جامعه و پیگیری امور مذهبی سیاسی خود، آزادی بیشتری داشتند. کلیه‌ی این جریان‌های

قرائت‌های بسیار تنگ‌نظرانه و بسته از ایدئولوژی سلطنتی ایران باستان سبب گردید که هویت نوین اجتماعی و سیاسی جامعه در معرض خطر اساسی قرار گیرد. این گفتمان با عنصر تأکید بر هویت ایرانی و مقابله با اندیشه‌ی سیاسی، تحزب، دموکراسی، فلسفه‌ی حاکمیت اندیشه‌ی اجتماعی و سیاسی مردم بر سرنوشت خود و اراده برای تغییر، به صورت اساسی نادیده گرفته شود. بخشی دیگر از توهم دشمنی و ضدیت با مدرنیته و اندیشه‌ی مشروطه از سوی گفتمان اسلام‌گرایان در قالب بازگشت به خویشتن، حاکمیت از آن خداست، حاکمیت قوانین شریعت پیگیری می‌شد. این توهم‌های گفتمانی، به یک میزان در برابر غرب و غرب‌گرایی یا به تعبیر اسلام‌گرایی، غرب‌زدگی قرار گرفتند. این وضعیت سبب گردید تا در فضاهای آموزشی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی در دانشگاه‌ها، مدارس و مراکز آموزشی، برای مذهب‌یون یک فضای باز و موقعیت مناسب برای فعالیت‌ها مهیا گردد. ایجاد مساجد، انتشارات مذهبی، ایجاد مدارس مذهبی، انجمن‌های اسلامی در دانشگاه‌ها، خود زمینه‌ای برای جذب اسلام‌گرایان جوان، بازسازی نیروها، گفتمان دینی، یارگیری، آموزش و سازماندهی در برابر نیروهای سکولار و مترقی در جامعه را در پی داشته باشد. این وضعیت تا سال‌های منتهی به انقلاب ۵۷ مردم ایران تداوم داشت. نیروهای مذهبی با گرایش‌های مختلف که به صورت پراکنده در بازار، دانشگاه‌ها، مدارس، ادارات، مراکز دولتی و نیز در میان نیروهای نظامی پراکنده شده بودند، دارای همان اندیشه، تفکر، عقیده و آرمانی بودند که از دل گفتمان مشروعه‌خواه شیخ فضل‌الله و دیگران برای اسلام و ضدیت با آزادی وجود داشت. هر چند که این اسلام‌گرایی سیاسی، خود را در چهره‌ها و گفتمان‌هایی چون نهضت آزادی، مسجد هدایت (حلقه طائفانی)، حسینیه‌ی ارشاد (شریعتی، مطهری)، سازمان مجاهدین خلق، سازمان‌های "اسلام‌گرایی فقهی انشعابی" از سازمان مجاهدین خلق بعد از سال ۵۴، اسلام‌گرایان

ادامه‌ی صفحه‌ی ۵

اقوام و اقلیت‌ها نه مسئول آموزش زبان‌های قومی هستیم و نه مسئول محرومیت‌زدایی، ما فقط پیگیری می‌کنیم، خبرنگار بلافاصله می‌پرسند : آقای یونسی! شما مجری که نیستید. سیاست‌گذار هم که نیستید. می‌گویید فقط پیگیری می‌کنید. عنوان شما "دستیار ویژه" است. این عنوان دقیقاً یعنی چه؟ یعنی همان مشاور؟ و پاسخ این است که "عنوان "دستیار ویژه" قبلاً در ایران وجود نداشته است و لذا هنوز هم تعریف مشخص و دقیقی ندارد". خدا را شکر که بعد از سی و چند سال کسی پیدا شده است که کارش پیگیری محرومیت‌ها و تبعیض‌ها در میان اقوام ایرانی است در مرکزی که "هنوز تعریف مشخص و دقیقی ندارد". اینجا این سؤال پیش می‌آید که وقتی هنوز تعریف مشخص و دقیقی ندارند، شما مسئول این مرکز نامشخص و نادقیق بر طبق کدام تعریف "پیگیری" می‌کنید؟ به‌علاوه، بنابر استدلالات محکمی که در پاسخ به سؤالات پیشین ارائه فرمودند، پیگیری نموده‌اند و نتیجه‌ی پیگیری این بوده که برای تدریس زبان‌های اقلیت‌ها مطالبه‌ی جدی وجود ندارد، تبعیضاتی هم که این اقلیت‌ها مطرح می‌کنند، احساسی است که بیشتر القایی می‌باشد، بنابراین ارزش زحمت مجدد پیگیری را ندارند!.

عامل در مهار سلفی‌گری، استفاده از خود اهل تسنن است. همان طور که کردهای ایران بهترین مرجع برای مقابله با مشکلات کردستان بودند. سنی‌ها هم بهترین مرجع برای حل مسائلی چون سلفی‌گری هستند". منظور صریح آقای یونسی در اینجا به مزدوری کشاندن گروهی از مردم کرد است که آنان را مسلح نموده و رودرروی فعالین مطالبه‌جوی کرد قرار دادند، یعنی که "از هر طرف کشته شود، به نفع اسلام است". حالا آقای دستیار ویژه که قرار است مشکلات اقلیت‌های مذهبی را پاسخگو باشد، برای حل معضلات پیروان اهل تسنن نیز این راه را کشف کرده است. خوانندگان محترم این سطور به خوبی متوجه می‌شوند که دم و دستگاه دستیار ویژه که از مراجع دولت جدید و گویا میانه‌رو به ملیت‌ها و اقلیت‌های مذهبی است و این گمان را در مخیله‌ی عده‌ای به وجود آورده بود که این دولت به شیوه‌ای جدی این مشکلات را که مشکلات حاد کشور است، درک کرده و با تشکیل مؤسسه‌ای نوین، راه‌حل‌های نوینی را برای رفع آنها انتخاب کرده است. ولی متأسفانه می‌بینیم "از کوزه همان برون تراود که در اوست" و انتظار نوآوری و یافتن راه‌چاره‌ی مشکلات به شکل متمدنانه و بر اساس جلب رضایت مردم از این سیستم عقیم و منجمد انتظاری

در پاسخ سؤال‌های بعدی باز هم یک مغلطه‌بازی دیگر که شاید خود آقای یونسی دستیار ویژه هم از آن سر درنیابد، مشاهده می‌شود، به این معنی که به قول خودشان، دستیاره ویژه هنوز تعریف مشخص و دقیقی ندارد، وظایف اجرایی ندارند، قانونگذار نیستند، عنوانش دستیار است، ولی از طرف دیگر کارش "کاری مهمتر از وزارت" و "داشتن نوعی ریاست بر وزیران" می‌باشد. در پاسخ به این سؤال خبرنگار که می‌پرسد: "پژوهش یا پیمایش هم انجام داده‌اید تا معلوم شود بهتر است کار را از کجا شروع کنید؟ از کدام قوم و کدام مشکلات شروع کنید؟" می‌گویند: "اولویت را به مسائل مذهبی داده‌ایم. ما معتقدیم در ایران مسأله‌ی حاد قومی نداریم". ملاحظه می‌شود که باز به راه چاره‌های تاکنونی بر می‌گردند که رژیم برای مطالبات مردم در پیش گرفته است و طی دهه‌های گذشته این راه چاره‌ها هیچ‌کدام از معضلات و مطالبات مردم را حل نکرده است. آنجا که می‌گویند: "باید با دقت فراوان از منازعات مذهبی پیشگیری کنیم و از ظهور تمایل سلفی‌گری و وهاب‌گیری جلوگیری کنیم و لذا مقابله با افراطی‌گری مذهبی را در دستور کار قرار داده‌ایم." و در برابر این سؤال که "طرح مشخصتان برای مهار سلفی‌گری و افراطی‌گری چیست؟" پاسخ می‌دهند که: "به نظر ما بهترین

مصاحبه بار دیگر مؤید این واقعیت است که بر سخنان و اظهارات رسمی این رژیم چند چهره، هر چند ظاهراً نویدبخش باشند، نباید اطمینان کرد، زیرا چهره‌ی واقعی آن همان استبداد، تبعیض، سرکوب و ستم است، چهره‌ای که دستیار ویژه‌ی رئیس‌جمهور با همه‌ی کوشش خود نتوانسته است در این مصاحبه آنرا لاپوشانی کند.

تمام پاسخ‌ها و اظهار نظرهایی که آقای یونسی در این مصاحبه ابراز نموده‌اند، این واقعیت را بار دیگر به طور آشکار بازگو می‌کنند که در این رژیم محمود رئیس‌جمهور باشد یا حسن یا فردا کسی دیگر، در بر همان پاشنه می‌چرخد، یعنی که رژیم به این مطالبات اعتقادی ندارد تا درصدد برآورده کردن آنها باشد. بنابراین همه‌ی قول و قرارهای انتخاباتی در این زمینه جز فریبکاری نیست. باشد که بار دیگر کسانی به هر هدفی این تهمت را به این رژیم نزنند که گویا درصدد حل مشکلات و مطالبات ملیت‌ها و اقلیت‌های مذهبی و دینی هستند، تهمتی که انصافاً به هیچ وجه به ساحت مقدس! این رژیم نمی‌چسبد.

تمام تأکیدات از ماست.

کریم پرویزی، عضو دفتر سیاسی حزب در گفتگو با کوردستان:

فرمان جهاد اقتصادی و مدیریت جهادی، مزاحی بیش نیست

با وعده و وعیدهای روحانی، برخی مردم اینگونه می‌پنداشتند که حداقل در زمینه فرهنگی پنجره‌ای برای آنان باز خواهد شد، اما خامنه‌ای یک ماه پیش، به آن‌ها اولتیماتوم داد و وزیر فرهنگ حسن روحانی گفته‌های وی را لایک گفت و در شعار نامگذاری سال ۱۳۹۲، مجدداً به فرهنگ به عنوان بعدی اساسی و مهم اشاره می‌شود که در این زمینه نیز با تکیه بر دیدگاه‌های جهادی به پیش می‌روند و نمی‌بایستی به گشوده شدن پنجره‌ای کوچک در زمینه فرهنگی هیچ امیدی داشته باشد.

کوردستان: شعار امسال خامنه‌ای، در عرصه سیاست خارجی چه ارتباطی با سیاست به اصطلاح، نرمش قهرمانانه خواهد داشت؟

ک. پرویزی: اینکه رژیم در عرصه خارجی و مسائل اقتصادی به طور کامل در تنگنا قرار گرفته و دچار بحران‌های بسیار دشوار و سختی شده که خطر سرنگونی آن را افزایش داده، برای همه آشکار و بدیهی است و به ناچار و به دلیل درماندگی و استیصال در این زمینه‌ها بود که خامنه‌ای تحت عنوان نرمش قهرمانانه، در برابر خواسته‌های غرب زانو زد و با "شیطان بزرگ" به توافق رسید تا رژیمش را از این مرحله سخت و دشوار نجات دهد.

در تعیین شعار و نامگذاری امسال نیز خامنه‌ای گفته است که مسأله‌ی اقتصادی بسیار برای آنان مهم بوده و حالت جهادی به خود گرفته است زیرا پولی برایشان باقی نمانده که با آن سلاح خریداری نمایند و برای بشار اسد و حزب‌الله لبنان بفرستند و دستمزد ماهیانه‌ی نیروهای سروکوبر سپاه و اطلاعات برایشان تأمین نمی‌شود، به همین دلیل با توسل به مدیریت جهادی درصدد هستند که ثروت و سامان کشور را هدر دهند تا هزینه‌ی پروژه‌های تروریستی و اخلاک‌گرانه‌شان تأمین شود.

در زمینه‌ی فرهنگی نیز خشونت و سرکوب و سانسور را افزایش می‌دهند تا به مردم بگویند که گرچه در برابر غرب زانو زده‌اند، اما پاسخ مردم ایران را با گلوله و اعدام می‌دهند!

داد رژیم رسیده و از آن صیانت نمایند. اما آیا رهبر رژیم، مشروعیت دارد که فرمان جهاد صادر کند؟

آیا مسئولین رژیم، افرادی دلسوز و از خود گذشته‌اند که به داد سیستم برسند؟ آیا توانایی و امکانات لازم برای نجات سیستمشان را دارند؟

پاسخ تمام این سؤالات زمانی روشنتر خواهد شد که رویدادهای سال گذشته را مرور نمائیم و اخبار مربوط به افشای فساد و دزدی صدها و هزاران میلیاردی مسئولین رژیم را به یاد بیاوریم و نزدیکان خامنه‌ای نیز در آن سهیم بودند و رهبر رژیم فرمان می‌داد که بیش از حد از موضوع صحبت نشود، اما هر روز فساد بزرگی از آن‌ها افشا می‌شد تا جایی که خبرگزاری رویترز از ثروت ۱۰۰ میلیارد دلاری خامنه‌ای خبر داد. در چنین سیستم و وضعیتی، فرمان جهاد اقتصادی و مدیریت جهادی، مزاحی بیش نیست.

کوردستان: بعد از گذشت بیش از ۳۰ سال از پروژه‌ی انقلاب فرهنگی، نامگذاری سالی به نام فرهنگ در جمهوری اسلامی حامل چه پیام و مفهومی می‌تواند باشد؟

ک. پرویزی: از روزی که خمینی رهبر رژیم، شعار آزادیخواهانه‌ی مردم را تغییر داد و گفت «جمهوری اسلامی»، نه یک کلمه زیاد و نه یک کلمه کم، تاکنون این رژیم با توسل به هر شیوه‌ای در جهت کنترل نمودن و انحطاط فرهنگ ملیت‌های ایران و اندیشه و رفتار مردم و پرورش دادن مردم به شیوه‌ی ایدئولوژی ولایت فقیه تلاش نموده است.

از روزی که به روزنامه‌ها، مجلات و وسایل ارتباط جمعی یورش بردند و دانشگاه‌ها را اشغال نمودند و انقلاب فرهنگی را اعلام کردند، تلاش نموده‌اند که جامعه‌ی ایران را تبدیل به جامعه‌ای وابسته و تحت تسلط و سیطره و گوش به فرمان اوامر رهبر رژیم نمایند. اما تاکنون در اجرای توطئه‌هایشان موفق نبوده‌اند و هرساله و به بهانه‌ای، از فرهنگ و مقاومت فرهنگی و تدوین مجدد فرهنگ و این گونه برنامه‌ها سخن می‌گویند و همچنان در این راه درمانده‌اند. علی‌الخصوص در این زمینه که بسیار نگرانند که مردم به سخنان مسئولین توجه ننمایند و به سمت موضوعات و مسائل دیگری بروند و در رابطه

و در برابر "شیطان بزرگ" سر فرود آورد و ثابت شد که شعارهای ولی فقیه تا چه حد به واقعیت نزدیک هستند. خامنه‌ای سال ۱۳۹۲ را به عنوان سال حماسه‌ی ملی سیاسی و اقتصادی نامگذاری نمود، اما از نظر سیاسی، حماسه‌اش این بود که مهره‌های امنیتی را به عنوان رئیس‌جمهور انتخاب کرد تا بتواند با شیطان بزرگ به توافق برسد و حماسه‌ی اقتصادی‌اش نیز این بود که با به توافق رسیدن با غرب، ۴ میلیارد دلار پول مسدود شده‌ی نفت را برایش آزاد کنند و گرنه تمام شعارها و وعده و وعیدهای زمان برگزاری سناریوی انتخاباتشان، دروغ از آب درمی‌آمد. اکنون همگی آن‌ها از دوران دشوار اقتصادی سخن می‌گویند و همه‌ی متخصصان مسائل اقتصادی، سال ۱۳۹۳ را سالی مملو از دشواری، فقر و بحران اقتصادی برای ایران می‌دانند. نتیجه‌ی تمام سیاست‌ها و مدیریت و فریبکاری‌های رژیم در زمینه‌ی اقتصادی، بحران اقتصادی، بیکاری بیش از حد، فقر گسترده، تعطیلی کارگاه‌ها و کارخانه‌ها عدم وجود پول برای اجرای طرح هدفمند ساختن یارانه‌ها و بوده این شعارها و نامگذاری‌های ولی فقیه تنها مبین نهایت وجود بحران و ضعف و استیصال رهبران رژیم در حل مشکلات و معضلات می‌باشد.

کوردستان: با در نظر گرفتن فساد گسترده‌ی حاکم بر مسئولان و نهادهای حکومتی، شعار مدیریت جهادی خامنه‌ای چه جایگاهی می‌تواند داشته باشد؟ ک. پرویزی: این که ولی فقیه از مدیریت جهادی سخن می‌گوید، قبل از هر چیز نشانه‌دهی این است که ولی فقیه وضعیت موجود را وضعیتی جهادی می‌داند. وضعیت جهادی در زمینه‌ی اقتصادی بیانگر نهایت بحران و قرار گرفتن در وضعیت خطر و هشدار می‌باشد، به گونه‌ای که رژیم در این زمینه در وضعیت تنازع بقا قرار گرفته است. وضعیت جهادی، وضعیتی است که خطری بزرگ و ویرانگر سیستم را تهدید کند و هر لحظه احتمال دارد که تومار عمر سیستم درهم پیچیده شود و دچار فروپاشی شود و رهبری رژیم فرمان جهاد برای نجات سیستم صادر نموده است تا در این وضعیت مرگ و فناء رژیم، با توسل به مدیریت جهادی، به



کریم پرویزی

شعارهای جذابتر و پر زرق و برق‌تری سر داده باشد، در واقع نشان‌دهنده‌ی استیصال و ضعف درونی این رژیم بوده است. به عبارت دیگر، هرگاه که با مشکلات و موانع بزرگ روبرو شده و در بحران غوطه‌ور گردیده و دست و پا زده است، شعارهای بزرگتری سر داده است.

در زمان جنگ با رژیم عراق، هرگاه در جبهه‌های جنگ متحمل شکست می‌شد و نیروی انسانی بسیاری را از دست می‌داد، در شعارهایش و به ویژه در خطبه‌های نماز جمعه که توسط امام جمعه‌های وابسته به رژیم برگزار می‌شود، از پیروزی قریب الوقوع و ادامه‌ی جنگ تا آزاد نمودن قدس سخن راندند یا ۲-۳ سال پیش که تحریم‌های اقتصادی جهان علیه رژیم جمهوری اسلامی شدت گرفت، برخی از مسئولین رژیم گفتند که می‌بایستی همانند زمان صدر اسلام و تحریم زمان «شعب ابی طالب» عمل نماییم، به زمانی اشاره می‌شد که در صدر اسلام، مسلمانان مکه در دره‌ای به نام «شعب ابی طالب» تحریم اقتصادی شدند و چند سال در فقر و فلاکت می‌زیستند. اما خامنه‌ای رهبر رژیم با عصبانیت گفت نه تنها در وضعیت استیصال و تحریم نیستند، بلکه در وضعیت «بدر» و «خبیر» قرار دارند که در صدر اسلام پیروزی بزرگی را بدست آوردند. اما دو سال بیشتر طول نکشید که رژیم به زانو در آمد

همان گونه که استحضار دارید، علی خامنه‌ای، رهبر رژیم جمهوری اسلامی ایران در نخستین روز سال نو خورشیدی، برطبق سنت همه‌ساله‌ی خود با ارائه‌ی پیامی، خطوط کلی سیاست خارجی و داخلی رژیم در سال پیش رو را بیان نموده و امسال را "سال اقتصاد و فرهنگ، عزم ملی و مدیریت جهادی" نام نهاد.

در همین ارتباط گفتگویی با آقای کریم پرویزی، عضو دفتر سیاسی حزب دمکرات کوردستان ایران ترتیب داده‌ایم که متن کامل آن ذیلاً از نظر خوانندگان گرامی می‌گذرد: کوردستان: به نظر شما حال که سال حماسه‌ی سیاسی و اقتصادی به اتمام رسیده، چه قدمی مانده که رژیم از نظر اقتصادی بردارد؟ این شعار چه کمکی به وضعیت اقتصادی فعلی ایران می‌نماید؟

ک. پرویزی: موضوع و مسأله‌ی مهم در رابطه با شناختن و شناساندن رژیم جمهوری اسلامی، تأملی در باب شعارهای آن است. جمهوری اسلامی بر اساس نظریه‌ی ولایت فقیه، در همه‌ی زمینه‌ها و به طور مستمر شعارها و تبلیغات حیرت‌انگیزی را سر داده و در واقع، به طور کامل برعکس آن شعارها و وعده و وعیدها، عمل نموده است.

از بدو روی کار آمدن جمهوری اسلامی تا جنگ با رژیم عراق و سال‌های پس از آن و تاکنون نیز هرگاه رژیم جمهوری اسلامی

خیزشی دوباره اما متفاوت!

(دببین)

آزادیخواه و مقاوم و نستوه هستند. متحمل هزینه‌های زیادی شده ولی تاکنون نیز زنده و پویا و نستوه و مقاوم و تشنه‌ی آزادی مانده‌اند.

طی یکی دو سال اخیر کوردستان در گسترده‌ای وسیع و با تمرکز بر شهر میروان آزمون‌ی تازه اما موفقیت‌آمیز را پشت سر گذاشت. ظهور حرکات و جنبش‌های اجتماعی و مدنی و انجام فعالیت‌های گوناگون جهت هوشیاری و آگاه‌سازی اجتماعی، حفاظت از محیط زیست، زیستگاه سالم، حفظ حیات وحش، ارج نهادن به ارزش‌های ملی و از جمله برگزاری سازمانی نوروز و تجلیل از ادبا و هنرمندان و همدلی با نیازمندان و بیماران و ... توانست کوردستان و جامعه‌ی زنده‌ی کوردستان را در صدر اخبار خبرگزاری‌های منطقه‌ای، سراسری و جهانی قرار دهد.

این جنبش و حرکت‌ها بایستی گسترده‌ی تأثیرگذاری گفتمان آنها را مد نظر قرار داد که تا حدودی می‌توان گفت که این جنبش‌ها در اشاعه و ترویج و گسترش گفتمان خویش توانسته‌اند بخش‌هایی از جامعه‌ی کوردستان ایران را تحت تأثیر خویش قرار دهند.

بی‌شک شکاف‌های اجتماعی و تبعیض و اجحاف‌های اعمال شده از سوی حاکمیت بر مردم، برای جامعه‌ای پویا زمینه‌ساز و انگیزاننده‌ای مهم جهت گزینش و برگزیدن راه‌ها و اشکالی دیگر از مبارزه برای گام نهادن در مسیر دادخواهی و خدمت به منافع عمومی است.

مردم کوردستان حداقل در عمل طی سال‌ها اثبات نموده‌اند که ملت، سرزمین، فرهنگ، طبیعت و مکان زیست خویش را دوست دارند و به آن عشق می‌ورزند،

نگاهی آسیب‌شناسانه به جنبش و مبارزات آزادیخواهانه در کوردستان ایران حداقل طی یک سده‌ی اخیر، این نکته را برای ما خاطر نشان می‌کند که اکثر حرکت‌ها و اقدامات این جنبش‌ها و بازیگران آن کنشگرانه نبوده و خیزش‌ها و برخاستن‌ها همیشه با خلأ قدرت مرکزی در مناطق کوردنشین و واکنیش فعالان و مبارزان کرد همراه بوده است.

علاوه بر این حرکت‌های گذشته گاه‌ا توأم با دفاع مسلحانه و یا به عبارتی دیگر غالب بودن هژمونی ماهیت انقلابیگری و چپی بر این حرکت‌ها و غیبت مبارزات مدنی هر چند که بعضاً مسالمت‌آمیز نیز بوده‌اند.

اینکه این نکات تا چه اندازه وارد و یا نامقبول می‌باشد، هدف این نوشته نیست و همچنین در سنجش موفقیت و عدم موفقیت

و مردم کوردستان با درک شرایط و موقعیت و با توجه به هنجارها و ارزش‌های جهان‌محور، خود و مبارزات و فعالیت‌های خود را باز تعریف کردند و به نوعی سیاست‌های رژیم را در مسکوت نگه داشتن فعالان مدنی و فرهنگی خنثی ساختند.

یکی از خصیصه‌های بارز جنبش‌های نوین، استفاده از تکنولوژی (شبکه‌های اجتماعی و رسانه) و نبود رهبری واحد و منسجم است و این خود می‌تواند امتیازی در موفقیت این حرکت‌ها و ناکام گذاشتن حاکمیت در کنترل آنها باشد که بدون شک در کوردستان و بخش‌های مختلف آن این مهم مشهود بود.

با توجه به رشد آگاهی افکار عمومی در کوردستان و همچنین گسترش شبکه‌های اجتماعی و اطلاع‌رسانی، بدون شک ظهور این حرکات و فعالیت‌ها در کوردستان با توجه به اقدامات و واکنش دستگاه‌های امنیتی رژیم رو به رشد خواهد گذاشت و گام به گام به سوی بنیان نهادن یک جامعه‌ی مدنی نیرومند قدم بر خواهد داشت.

حرکت‌های خودجوش مردمی در خاموش نمودن آتش‌سوزی جنگل‌ها و مراتع کوردستان در غیاب و کم‌کاری نیروهای دولتی، اقدام به کاشتن نهال، جمع‌آوری زباله در سطح شهرها، اماکن تفریحی و روستاها با توجه به بی‌مبالاتی دستگاه‌های دولتی، اعتراض به توهین سیستماتیک حکومتی به لباس زنانه‌ی کردی، اعتراض به مرگ خاموش دانشجویان و اعدام فعالان سیاسی کرد، شکستن سلاح‌های شکاری و قفس‌ها، جمع‌آوری نمادین سیگار و سوزاندن آن در آتش، کمک به افرادی که در دام اعتیاد افتاده‌اند جهت بهبودی و بدست آوردن سلامتی و... حرکت‌ها و اقداماتی می‌باشند که توانسته‌اند جامعه‌ی کوردستان را به جامعه‌ای نمونه، خلاق و نوآور تبدیل کنند، جامعه‌ای که همیشه یک گام جلوتر از دیگر بخش‌های ایران حرکت کرده و حرکت خواهد کرد.

چنین خیزش و رستاخیزی نویدبخش آینده‌ای روشن برای مبارزات دموکراسیخواهانه و مدرن کوردستان و همچنین مؤید یک نکته‌ی مهم در این باب است و آن اینکه تمام تلاش‌های مذبوحانه‌ی سیستم حاکم طی این سال‌ها در سرکوب مردم کوردستان ناکام مانده

در راستای همکاری بیشتر نیروهای دمکرات و مترقی ایران بکوشیم

KURDISTAN

Organ of the Central Committee of Democratic Party of Iranian Kurdistan

No: 626 ■ 5 Apr 2014

روزنامه ی «کوردستان» و وب سایتهای حزب دمکرات کردستان ایران.
در شبکه جهانی اینترنت:

www.kurdistanmedia.com
info@kurdistanmedia.com

<http://www.pdki.org>
pdkiran@club-internet.fr

